

مجموعه اسناد و دفاعیات محمدعلی طاهری
فایل شماره ۲

نامه به قاضی احمدزاده



گردآوری از خبرگزاری هرانا
آذرماه ۹۵

ریاست محترم شعبه ۲۶ دارگاه انقلاب اسلامی

جناب آقای احمدزاده

با سلام و تشار دعای خیر، احتراماً؛

پیرو نقض ماهیتی اتهام افاد فی الارض استابی به اینجانب، از سوی دیوان عالی محترم کشور در آذرماه ۹۴، مبنی بر عدم انطباق اتهام فوق با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۹۲ به لحاظ زمان وقوع اقدامات استابی و عدم انطباق اتهام با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی قدیم و سایر موارد قانون مربوط به جرم افاد فی الارض (و عدم درخواست دیوان محترم عالی کشور بمنظور انجام تحقیقات مجدد در مورد این اتهام بواسطه مغایرت کلی و عدم انطباق با قوایش مربوطه) و همچنین صدور منع تعقیب در مورد سایر اتهامات از سوی بازپرس محترم شعبه سوم دادسرای شهید مقدس (جناب آقای حسینی) در تاریخ ۱۳/۴/۹۵ به علت عدم وجود دلایل و مدارک (که از سوی دیوان محترم، درخواست ارائه اسناد و مدارک در مورد اتهامات وارده و انجام تحقیقات در باره برخی ادعاهای کذب - بعلل آئیده در آنها ظهور بود که به علت بی پایه و اساس بودن اتهامات وارده، قرار منع تعقیب برای همه آن اتهامات صادر شده است.

* بنابر این با گذشت بیش از شش سال و نیم تحقیق و بررسی در مورد اتهامات وارده و با عنایت به مطالبه ذیل؛

- باقی نماندن اتهام دیگری جهت انجام تحقیقات (با توجه به عدم تطابق و تشار بودن اتهام افاد فی الارض استابی با قانون جدید و قدیم و صدور قرار منع تعقیب برای سایر اتهامات).

- عدم هرگونه تمایل و انگیزه ای برای ادامه فعالیت در زمینه موضوع آموزشی موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) اینجانب که در سال ۸۷ تعطیل و در سال ۹۰ منحل شده است و اعلام آمادگی جهت سپردن تعهد مبنی بر عدم فعالیت در حوزه عرفان کیهانی و الهیاتی نجاشی به قاضی محترم از باب وجود هرگونه دغدغه خاطر احوالی و خاتمه نجاشیدن به هرگونه تجمع و همکاری و کمک به تعطیلی فعالیت های پراکنده در این زمینه.

- فراهم شدن فرصت جهت رسیدگی به زندگی شخصی و خانوادگی خود که از تاریخ ۲۹/۱/۸۹، با دستگیری اینجانب دستخوش تاملیات و تلاطم های بسیار شدیدی گردیده و خود نیز بواسطه سپری کردن دوران بسیار دشوار چندین ساله بازداشت موقت در بازداشتگاه ۲-۲ الف این که با توجه به شرایط و مصائب گذشته پارهال بیت سال حبس در زندان محوی بوده است، خود و خانواده ام به زندگی در محیط آرام و بدون حاشیه و به دور از هرگونه درگیری فکری، تهدید، ارباب و... شدیداً نیازمند هستیم و با ایجاب چنین فرصتی، طبیعتاً آبراز دست نخواهیم داد.

- ادای مجدد شهادتین و ابراز قلبی خود مبنی بر اعتقاد راسخ به ربن مبین اسلام و شیعه اثنی عشری، نبوت حضرت محمد (ص) (علیه السلام) خاتم الانبیاء، ائمه معصومین (علیهم السلام)، امام مهدی (عج) بعنوان مبنی بشریت و کتاب آسمانی قرآن کریم بعنوان وحی الهی به پیامبر گرامی، ضمن تأکید بر بی گناهی و برائت خود از کلیه اتهامات وارده، اعلام میدارم هیچگونه انحراف محمدی از اسلام راستین نداشته و در قبال آنچه را نیز که ممکن است ناخواسته مرتکب شده باشم، از پیشگاه خداوند متعال طلب عفو و نجاشی می نمایم.

لذا بدینوسیله درخواست آزادی فوری خود را تقدیم میدارم.

به علاوه ضمن ارجاع به لایحه آخرین دفاع سال ۹۴، مطالب زیر را نیز به استحضار میرساند (در هفت صفحه)؛

(صفحه یک از هفت)

محمدعلی طاهری
۹۵، ۹، ۱۳

۱- دارد کردن اتهام کذب افشاد فی الارض به ایجاب در تاریخ ۹۰/۲/۱۴، بدنبال دیسه چینی و زمینه سازی قبلی بوره که در تاریخ ۸۹/۲/۲۹
مرا به اتهام عضویت در سازمان چریک های فدائی خلق ایران دستگیر نموده تا با ایجاد تصنعی ارتباط بین این سازمان چریکی، اسلحه، ترور،
تهدید و ... بتواند افشاد فی الارض را با مواد قانونی مربوطه مطابقت داده و آنرا بعنوان پای پوشی به ایجاب نسبت دهند. اما با صدور منع
تحقیق در مورد سایر اتهام ها از جمله عضویت در سازمان چریک های فدائی خلق ایران، ترور، تهدید و ... اتهام افشاد فی الارض (ماتون
قدیم) بطور کلی مردود و بی اعتبار میشود (گذشته از نقض اتهام فوق توسط دیوان عالی محترم کشور). اما نکته دیگر در این رابطه، آنکه با
عدم موفقیت کارشناسان در گرفتن آثار و امتهانات دیکته شده در مورد فوق و تصویب قانون جدید در سال ۹۲ (که در آن هر عملی قابل انتساب
به اتهام افشاد فی الارض می باشد) اقدام غیر قانونی به تطابق عامدانه با افشاد فی الارض در قانون جدید می نماید که خوشبختانه آنهم با
رای و حکم دیوان عالی محترم کشور بعنوان محلی ناصحیح، نقض و به زیر سوال میرود.

۲- لازم به ذکر است که دیوان عالی محترم کشور در رأی صادره، طی بند اولاً و رابعاً به اتهام افشاد فی الارض انتسابی را با ماتون جدید و قدیم سفایر
تشخیص داده و منطقاً بر آنست که در نتیجه این اتهام ماهیتاً رد شده است و طی بندهای ثانیاً، ثالثاً و خامساً در مورد سایر اتهامات اعلام
نموده که در مورد آن اتهامات هیچگونه دلیل و مدرکی ارائه نشود، از اینرو درخواست ارائه اسناد و مدارک و انجام تحقیقات در برخی موارد ادعایی
نموده است. و گویا از آنجا که این اتهامات اساساً پوچ و موهوم بوده اند و برای اثبات آنها دلایل و مدارکی از ابتدا وجود نداشته و
تحقیقات در موارد ادعای مطروحه منتهی بر وجودشکی خصوصی نیز نشان دهنده کذب بودن آن ادعاها بوده است؛ لذا، قرار منع تحقیق
از سوی بازپرس محترم شعبه سوم دادرسی شهید مقدس صادر میشود. در ضمن، دیوان محترم طی بند ساداً؛ گرفتن استفا و هرگونه
حکمی (که بازپرس اسدی و کارشناسان با ارائه فرصیات و اطلاعات غلط و متقلبانه انجام داده اند) را از سوی مراجع تقلید با وجود قوانین
جاری مملکت، خارج از نیاز و ضرورت دانسته است.

۳- ایجاب از تاریخ ۸۹/۲/۲۹ دستگیر و پس از ۶۰ روز حبس در سلول انفرادی به قید وثیقه و دارن تعهد منتهی بر حضور در مکان شخصی جهت
نفاذ بازجوی آزاد شده، متقابلاً با حضور مدووم در ساختمانی واقع در ضلع شمالی دانشگاه تهران - پلاک ۹، مدت هفت بازجوی قرار داشته و از
همین محل نیز مجدداً به بازداشتگاه ۲- الف اوش در تاریخ ۹۰/۲/۱۴ منتقل و با ماهها حبس در سلول انفرادی و تحمل مشقات و فشارهای جسمی
و روانی و ذهنی بسیار زیاد از جمله ارائه پاتره حکم جعلی اعلام از سوی بازپرس اسدی و صحنه سازی های متعدد در این رابطه بمنظور گرفتن
آثار کذب زوری دیکته شده و ... (موضوع برخی از موارد شکایات مطرح شده) و پاسخگویی به سوالات بسیار زیادی در چندین روز و تهیه چند صد
ساعت فیلم و ... در خلال این مدت تحت بازجوی کامل و کافی در راضل و بیرون از بازداشتگاه قرار داشته ام که من بابتی با تکمیل این همه مدارک
بطور یکجا به اتهامات انتسابی (که همگی پوچ و بی اساس بوده اند) رسیدگی و نهایتاً تا پایان سال ۹۰ حکم واحد صادر نگردید. در حالیکه
مجبور شدم بواسطه برخورد با بی قانونی و زورگرایی های متداول، بمنظور تعیین تکلیف وضعیت خود، ملاقات با خانوار و وکیل، خانه
دارن به حبس در سلول انفرادی، اعزام به دارگاه و ... چندین بار اقدام به انتصاب خدا نموده تا با اعزام به دارگاه از علت و منطق صدور
این احکام مطلع شوم و اینکه چگونه صدور حکم اعلام بدون محاکمه امکان دارد؟ (بازپرس اسدی با ارائه پاتره حکم اعلام مدعی بود که
آنها را پاتره تن از مراجع محترم تقلید بر علیه من صادر کرده اند و کارشناسان نیز اقدام به صحنه سازی، ایجاد رعب و وحشت و ... نموده
تا بتواند از این طریق، امتهانات، مصاحبه ها و مطالب کذب دیکته شده را اخذ نموده و سناریوی خود را عملی کند. اما چون کارشناسان
نتوانستند به مصاحبه ها و امتهانات دیکته شده مطلوب خود برسند (بجز یک مصاحبه زوری)؛ تهدید نمودند که در صورت عدم همکاری
حتی در صورت رهایی از اعلام، تا آخر عمر مرا در بازداشتگاه نگاه داشته و یا مفتوح کردن پرونده های متعدد، همواره مرا درگیر دارگاه ها

(صفحه دو از هفت)

مستعد خواهند کرد به علاوه تهدیدهای دیگری که با اغرام به دارگاه در زمستان ۹۰، گزارش کامل از این محکومها، تهدیدها و راه اطلاع قاضی پیرمبای در حصه کارستان رسانیدم (طبق فیلم دارگاه).

لذا، قاضی محترم بخوبی میداند که اینجانب قربانی اِعمال نفوذ عده ای هستم که فقط به دنبال سدا کردن راهی برای نابود کردن من هستند (طبق تهدید بعمل آمده و سند فیلم دارگاه ۹۰) و هرگز بطرف نبوده و رفتار آنها عالمانه و منصفانه نیز هیچگاه مشاهده شده است و در حال حاضر همه تلاش خود را برای نگهداری هر چه بیشتر من در بازداشت به کار می برند و همانطوریکه با سوء استفاده مجددی از قانون جدید که مشمول من میشده است و صدور غیرقانونی حکم اعدام از این طریق (گذشته از استناد به دلایل کذب صدور حکم اعدام) توانسته ضمن اِعمال شکنجه روحی برای خود خانواده ام، مدت دو سال و وقت دارگاه را تلف نموده و مرا مدت زمان بیشتری در بازداشت موقت نگهدارند و بازهم تلاش کنند تا دارگاه را به نقطه آغاز خود برگردانند و همان بازی ها را مجدداً تکرار نمایند. بنابراین خواهشمند است قاضی محترم با صدور حکم آزادی اینجانب، به این وضعیت خاتمه بدهند.

* اما در صورتیکه نظر قاضی محترم عدم صدور حکم آزادی فوری اینجانب می باشد، جهت احقاق حقوق تضییع شده خود، ضمن ارجاع به

لایحه آخرین دفاع سال ۹۴ موارد مشروحه زیر را جهت اطلاع و هرگونه بررسی و اقدام قانونی لازم به استحضار میرساند:

۴- همانگونه که در جلسات دارگاه سال ۹۳ و ۹۴ به اطلاع دارگاه محترم رسانیدم، مصاحبه ای غیرقانونی با توسل به شیوه های غیرمعارف پیروی که در دارگاه توضیح دارم، توسط بازرس اسدی و کارستان در تیرماه ۹۰ از من گرفته شد و با استفاده از آن، مبارزه به وزن چوب کا ناروا پیش از کلیه رسانه ها شده است. از آنجا که گرفتن این مصاحبه زوری رکنه شده مبتنی بر شکنجه، تهدید و سوء بوره (طبق توضیحات ارائه شده در دارگاه)، لذا از هیچگونه وجاهت و اعتبار قانونی برخوردار نبوده و در جلسه دارگاه مورخ ۹۳، ۱۲، ۲۰ با جناب عالی قرار شد صوریکه ای تنظیم و بر طبق آن، این مصاحبه از رده اعتبار قانونی ساقط گردد. اما این موضوع را به جلسه دوم و آخر مورخ ۹۴، ۲، ۹ موکول نمودید که در آن جلسه نیز نسبت گذرگی مطالب مورد سوال و اتمام وقت دارگاه، میسر نشد که در نتیجه فرمودید در لایحه آخرین دفاع خود، آنرا یادآوری کنم و من نیز حسب الامر جناب عالی در آن لایحه به غیرقانونی بودن این مصاحبه اشاره کردم. ولیکن تاکنون صوریکه مربوطه هنوز تهیه و صادر نشده است و فیلم مصاحبه کماکان جزء مدارک پرونده قرار گرفته و میتواند مورد سوء استفاده بیشتر قرار بگیرد. لذا مجدداً در آغاز جلسه این دارگاه، درخواست تنظیم این صوریکه را در جهت ثبت و ضبط قانونی در پرونده و اعاده حیثیت خود می نمایم. در ضمن در قبال اتهامات کذبی که به اینجانب وارد شده، علیرغم فشارهای وارده، هیچگونه اقرار یا علیه خود که مؤید قبول حتی جزو کوچکی از هر یک از آن اتهامات باشد، ننشسته و ننوشته ام و حتی در مورد گرفتن اعترافات زوری رکنه شده تحت فشار، تهدید و... منی بر اعتراف به افاد فی الارض، ارتداد، توهین به مقدسات، ارتباط با ابرکا و... چهار بار اقدام به خودکشی نمودم تا هم اقدام به ارائه اعتراف کذب نمایم و هم اینکه جان اعضای خانواده ام را از شر تهدیدها کارستان حفظ نمایم. بنابراین در صورت احتمالی وجود هرگونه اقرارنامه و یا اقرار اعتراف در پرونده، بدستوسله اعلام حکم که یا زور و فشار وارد شده، منجر به القاء رکنه برقی مطالب خرد شده که به خلط بعنوان اعتراف تلقی گردیده و یا جعلی و ساختگی می باشند و یا در حالت غیرمعماری اخذ شده که واجب و لازم است بی اعتباری هرگونه اقراری در صوریکه مربوطه قید گردد.

۵- با توجه به پیش برنامه ای از کانال ۳ تلویزیون به نام «بوی حقیقت» در اردیبهشت ۹۳ صحنی بر بتری نمون اینجانب در بیارستان روانی زندان بمنظر انجام معالجات روانپزشکی بمدت ۷ ماه و احساس بروز تغییرات منفی در روان و ذهنم در حال حاضر و ایجاد فراموشی ناگهانی که ممکن است دقایق طول بکشد تا به وضع عادی برگردم که تصور میکنم ناشی از تأثیرات انجام چنین روشهایی می باشد ولی از آنجا که بعید عدم توانایی در بخاطر آوردن بعضی از وقایع چندین سال گذشته از جمله این واقعه را و مطمئن نیستم که آیا این تأثیرات منفی ناشی از

(صفحه ۳ از هفت)

اثر معالجات روانپریشی بوده و یا بواسطه طولانی شدن مدت زمان بازداشت موقت در بازداشتگاه، سلسله انقراض و سایر مسائل و مصائب ناشی از سایر تگرهای کارشناسی اجرا شده (مانند صحنه سازی ایلام و...) می باشد زیرا با استناد به فیلم های کلاس هادستیزی هایم در موسسه فرهنگی هنری ام، آندرش های آزاد دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی ایران و... به هنگام دستگیری، از سلاست ذهنی و روانی و جسمی بطور کامل برخوردار بوده و در ضمن هیچگونه سابقه بیماری جسمی و عصبی و سبزی شدن در بیمارستان را نیز هرگز نداشته ام (در صورتیکه در برخی از مقامات و مطالب منتشر شده در رسانه ها، بنده را فردی با سابقه بیماری جسمی و روانی و سبزی شدن در بیمارستان معرفی کرده اند).

لذا، خواهشمند است طی صورتجلسه ای صحت و سقم انجام معالجات روانپریشی در بیمارستان روانی زندان به جهت پیگیری های قانونی لازم، مشخص و صادر گردد.

۶- نظریه اینکه بسیاری از اسناد و مدارک، آلبوم و فایل های شخصی و خانوادگی و... همچنین برخی از اموال اینجانب بدون دادن هرگونه رسیدی و یا با دادن رسیدگی (مانند هفت کیسه مدرک) از منزل، موسسه و یا با شکستن درب انبارهای موسسه، ضبط و توقیف شده اند (به غیر از موضوع موقت بسیاری از اموال از دفتر موسسه در زمان پلچ بودن) که خود برخی از موارد شکایات ارائه شده بنده بوده است. از اینرو جهت محورت آنها، خواهشمند است اقدام مقتضی منبذول نفرمایند.

۷- در مورد تجمعات برخی از شاگردان موسسه سابق اینجانب، همانطوریکه در لایحه آخرین دفاع ۹۴ قید شده، این عده افرادی از اقسام مختلف جامعه هستند که ۸۰٪ آنها دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و بطور قانونی با پر کردن فرم موسسه، ارائه مکس، فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و پرداخت شهریه ثبت نام کرده اند. بنابراین، هیچگونه تهدیدی نسبت به بنده و دفاع از من در چنین شرایطی نداشته اند. ولی وجدان آنها پذیرفته که پیش چشمان آنها، معلم بگیناهای تحت ظلم و ستم، یا پوش ها و اتهامات کذب و... قرار گرفته و سالها در بازداشت موقت و تحت شرایط دشوار و غیر عادی قرار بگیرد و بصورت ناحق و غیر قانونی برایش حکم اعدام سفارش صادر شود و خود را خوار و اش تحت شدیدترین هجمه ها، تهدیدها و پاپوش ها قرار بگیرد. همچنین با نگهداری او در شرایط قرنطینه بازداشتگاه، ده ها جلد کتاب، مجله، مقاله، تهیه فیلم های متعدد، برگزاری همایش ها و... با طرح مطالب تحریف شده، کذب، جعلی و... اقدام به سم پاشی و ترور شخصیتی نمایند بدون آنکه هیچگونه فرصت مطالعه و پاسخگو به این مطالب کذب متقبلانه به او داده شود و این منابع بعنوان اسناد و مدارک تحقیق شده کارشناسان نیز به دادگاه ارائه و صحنه پرونده شوند و یا با گرفتن استفتاهای گوناگون با طرح فرصیات کذب و تحریف مراجع محترم تقلید و... حتی با جلوگیری از ابلاغ رای و حکم دادگاه (مبنی بر عدم مطالعه و پاسخگو به دلایل کذب و ساختگی صدور حکم اعدام) مطالعه رای و حکم روان و... بطور کامل خلع و سبغ دفاع گردد و... بدیهی است که در مواجهه با چنین شرایط و وضعیت نامعادلانه ای، هیچ انسان دارسته و مسلمان مومنی، سکوت نخواهد کرد. زیرا سکوت او خیانت به شریعت و اسلام تلقی خواهد شد. از اینرو، این انسان های آزاده که درس آزادگی و ظلم ستیزی را از مکتب اسلام و منش ظلم ستیزانه امام حسین (ع) آموخته اند، بصورت خودجوش با تجمعات مسالمت آمیز و اکثرا نشان داده و با استناد به مطالب کتب، محلات، مقالات و فیلم های کلاس های اینجانب اقدام به پاسخگو به این اکاذیب نموده و با این عمل بگیناهای و حسن شهرت مرا شهادت داده اند و این پاپوش ها و پرچب های دروغین را بر ملا و به هر نحو ممکن به نشر اکاذیب پاسخ داده اند، بدون آنکه اینجانب هیچگونه رضایتی برای این کار داشته باشم که عده ای برای دفاع از بگیناهای من، خود را در معرض دستگیری و حبس قرار بدهند. لازم به ذکر است که تجمعات مسالمت آمیز شاگردان موسسه که از سال ۹۳ آغاز شده به دلایل عمده زیر صورت گرفته است:

دلیل اول - دستگیری تعداد زیادی از شاگردان موسسه در سال ۹۵ و پس از آن و قرار دادن آنها تحت فشار، تهدید به دستگیری ایضا خانواره (که روغن مشکالی کارشناسان است)، ایجاد رعب و وحشت و... مبنی بر گرفتن اتمانات کذب علیه من، ترغیب آنها به شکایت و دادن



(صفحه چهارم از هفت)

شهرت سنی برگزیده در کمال آزاد شدن درهای از حبس و ... این همه نیز پس از آزاد شدن، اقدام به انگیزی این شگرهای
غیر انسانی نموده و با بی توجهی محافل قانونی داخلی، بعضاً شکایات خود را به محافل حقوق بشری ارسال کرده اند. در نتیجه، با انشای این گزارش ها
عده ای از شگرتانم برای دفاع از بیگناهی بنده و جلوگیری از اعمال چنین روش های غیر قانونی بر روی من و خانواده ام در صدور برآینده ما با انجام
تجمعات مسالمت آمیز، نظر مسئولین محترم را نسبت به وجود چنین شگرهای و نشر اکاذیب سازمان یافته کارشناسان جلب نموده، این بوجوب ها و
پایوس ها را خنثی و رفع بازداشت مرا فراهم گشته (برگزازی انگیزه تجمعات در همه جای دنیا مرسوم بوده و همه روزه دهها نمونه آن در اخبار
تلویزیون نشان داده میشود و در مقابل اتهامات احتمالی نیروهای امنیتی به آنها، اعتراض میشود). اما همواره بجای توجه به صحبت ها و پیام ها
این عده، با زدن بوجوب استقلال در نظم و یا مجمع غیر قانونی، هربار مورد اتهام نیروهای امنیتی قرار گرفته و تعدادی از آنها دستگیر شده اند.

دلیل دوم: عدم توجه به استشهاد های قانونی این عده سنی بر بی گناهی اینها و افترا بودن اتهامات وارده و زمانیکه در سال ۹۰
تقاضای ارائه استشهادیه سنی بر کذب بودن کلیه اتهامات وارده و احضار بشهود به دادگاه را به کارشناسان دارم، به من گفته شد که هر
کس نخواهد به نفع من شهرت بدهد، قلم پایش را خرد می کنیم، که این موضوع را نیز با استناد به فیلم دادگاه به اطلاع قاضی پیر عباسی رسانیده ام.

دلیل سوم: زدن بوجوب دروغین و موهومی «فرقه» و متوقف خواندن آن در سال ۹۳ که توفیق به دستور جمعی عده بسیار زیاد که
از معرفت پُردها و محققین بوده و در کلاس های موسسه سابق اینها ب شرکت نموده بودند توسط دادگاه محترم باز عوامل معمم شکل گیری
این تجمعات بوده و چسباندن این ادعای کذب به اتهام افسار فی الارض در قانون جدید (که در آن هر عملی قابل چسباندن به اتهام افسار فی
الارض می باشد) در حالیکه در سه اینها ب در سال ۸۷ نسبت شکایت همایگان از رد رسیدن از حد آن به طائرتی مبلوفه تعطیل شده بود و این
موضوع تحت هیچ پوششش قابل چسباندن به قانون جدید مصوب ۹۲ نمیشده است. بنابراین، عدم توجه کارشناسان دادگاه محترم به دفاعیات
بنده و وکیلان و صدور حکم غیر قانونی و نامعادلانه اعدام، باعث ایجاد موجی از نگرانی را در بین آنها نموده که با تأیید نایبای حکم در دادگاه تجدید
نظر، باز هم شدت بیتری پیدا میکند که مبار با بدگوم چنین روند ناصوابی، این حکم ناحق، سرانجام با اعمال نفوذ کارشناسان (طبق توراتها
شده از سنگینی کارشناسان) قطعی و اجرا شود که در نتیجه با احساس چنین خطری، تجمعات مسالمت آمیز منظور جلب توجه مسئولین به چنین
روند ناحق افرایش می یابد و ممکن متأسفانه باز هم با عدم توجه مسئولین مواجه میشود. تا اینکه سرانجام در بیان محالی محترم کشور، متوجه مغایرت
اتهام افسار فی الارض وارده با قانون جدید ۹۲ و عدم تطابق آن با قانون قدیم شده که به معنی باطل بودن اتهام فوق از روش و بسیاری
باشد که تلاش شده به زور در چارچوب مفاد قانون گنجانیده شود.

در ضمن، گذشته از مطلب فوق، صدور حکم اعدام سنی بر دلایل کذب، جعلی و ناروا نیز نیز بر علت برای افرایش نگرانی ها برای مجمع
گستردگان بوده است که گویا کارشناسان از طریق اعمال نفوذ در دادگاه بطور هم جانبیه، زمینه نشر اکاذیب در جهت ترور شخصیتی مرا فراهم
کرده اند و با جلوگیری از ابلاغ رای و حکم دادگاه و اعمال خلع و منع دفاع اینها ب منظور پانگونی به دلایل کذب صدور حکم اعدام، علیه من هفتاد و روز
اقدام به انحصار نداء حکم به اینها ب ابلاغ نشد و کماکان دلایل کذب و جعلی ارائه شده بدون هرگونه پاسنی از سوی بنده و وکیلان و
وکلای من نیز در موارد مطرح شده در حکم، هیچگونه اطلاعاتی نداشته و وقت ملاقات و دقیقه ای هم حتی برای قرابت رای و حکم هم کافی نبوده
است. از جمله موارد کذب و جعلی در حکم اعدام فوق، ادعای کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هشتاد و پنج میلیون تومان موجودی
نقدی متعلق به بنده از بانک های سراسر کشور به هنگام دستگیری من بوده است، در حالیکه اولاً: بنده و موسسه ام فقط در تهران، حاب
بانکی داشته ایم. ثانیاً: کل موجودی من و موسسه ام فقط مبلغ سی و هفت میلیون تومان بوده است. ثالثاً: از تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۸۹ تا تاریخ
صدور حکم اعدام در سال ۹۴، هرگز این مورد به اطلاع من نرسیده و درباره آن هرگز سوالی پرسیده نشده است.

(صفحه پنجم از هفت)

لذا، خواهشمند است طی صورتجلسه ای، این شعبه را درگاه تکلیف ادعای کشف و توقیف مبلغ حقوق را معلوم کند (زیرا ممکن است بدون آنکه نیت اطلاع داشته باشیم به صاحب وارث شده باشد). در ضمن نیت به ابلاغ رای و حکم اعلام درگاه ۹۴ و رای و حکم دیوان عالی محترم کشور به اینجانب و همچنین کراواتهای صادره از اکنون به بعد جهت هرگونه اطلاع و پاسخگویی، اقدام مقتضی مبذول فرمایند.

همچنین بعنوان مثال دیگر: در رابطه با شعر «به نام بی نام او» یا «تا شروع کنیم» - در امدها شب نشینیم و طلوع کنیم و... می باشد که متأسفانه «به نام بی نام او» بعنوان یکی از دلایل صدور حکم اعلام، عنوان شده، در حالیکه قاضی محترم در درگاه ۹۳ که این سوال را مطرح فرمودید، نیت در پاسخ با اشاره به مطالبی از عرفان اسلامی در مورد مقام ها و مراتب مختلف الهی شامل: (۱) مقام لا اسم له ولا رسم له (مرتبه غیب الخیوب). (۲) مقام احدیت (مرتبه جلوه ذات بر ذات). (۳) مقام واحدیت (یقین الوهیت به یقین اسما و صفات و نشاء ظهور اعیان ثابته، این موضوع را که خداوند متعال در هر مرتبه ای دارای اسما و صفات و... نیت و در بالاترین مرتبه فاقد هرگونه اسم، صفت و... می باشد و بی نام است و استادات دیگر نیز از نهج البلاغه و... اراده و ملکوت نمودم و جنبه ای نیز بر حلقه منوچهر را درگاه توضیح مرا پذیرفتید و حتی فرمودید که این سوال را مشکل ندانستید و همچنین بر کسبیده اید و سایر مطالب مطروحه در حکم نیز به همین ترتیب و...

دلیل چهارم: به دنبال نقض ماهیتی اتهام افاد فی الارض توسط دیوان عالی محترم کشور در آذرماه ۹۴ و اعلام عدم وجود دلایل و مدارک برای سایر اتهامات و درخواست انجام تحقیقات در برخی موارد ادعایی (مانند وجود شاکی خصوصی) و رسیدگی مجدد در این خصوص، با توجه به عدم وجود دلایل و مدارک و شکلی خصوصی، تحقیقات مجدد بازرس محترم شعبه سوم رارسای شهید مقدس (جناب آقای حسینی) منجر به صدور قرار منع تعقیب برای سایر اتهامات میشود (تاریخ ۱۳/۴/۹۵) که در نتیجه انتظار همچنان از جمله وکلای بنده این بوده که دادگاه محترم، بلافاصله اقدام به صدور حکم آزادی نماید اما متأسفانه تنها این اتفاق نمی افتد بلکه در بازداشتگاه اقدام به بازجویی زور از اینجانب، اعمال محدودیت های بیشتر از جمله قطع تلفن های هفتگی، قطع ملاقات حضوری یکساعتی و عدم اجازه ملاقات با وکلایم و... شده و اعتصاب غذای بیش از دو ماه من نیز بعنوان پاتر دهن اعتصاب غذا در اعتراض به محاکمت از آزادی ام نیز سوری نمی باشد و... به هر حال بسیار زود همگامی که سببه کار را دنبال میگردد و دلواپس من بوده اند و انتظار آزادی قریب الوقوع مرا داشته اند، متوجه میشوند که درگاه محترم قصد صدور حکم آزادی را ندارد که این نیز باز هم موجب ایجاد موج نگرانی دیگری میکند و اعلام خطر جدیدی که گویا کارشناسان بازم طرح و نقشه دیگری را در سری پرونده و... که آن هم باعث تبعیضاتی شده که اخیراً رخ داده است و قاضی محترم در جلسه مورخ ۹۵/۹/۹

به آنجا اشاره فرمودید و اینکه اظهار نمودید: الان که بنده در بازداشتگاه هستم، اگر شاگردانم اینگونه تجمع نمایند، در صورتیکه من از حبس آزاد شوم، چه ها خواهند کرد؟ جای بسی حیرت و تعجب است. زیرا، خواسته همه کس آنکه مرا می شناسند و به پی گناهی من اعتماد دارند، این است که من آزاد شده و به کانون خانواده خود بازگردم، آن هم پس از چندین سال درگیری و تحمل مشقات و ناملاایات بسیار زیاد و برپایی است که پس از آزادی ام، این عده دیگر انگیزه ای برای تجمع و جلب توجه مسئولین محترم، افشاکری توطئه ها و... نخواهند داشت و اینکه فرمودید که شما اعتقادی به اعتصاب غذا من ندارید و نزد شما ارزش نداشته و نتیجه ای نیز نخواهد داشت و در صورتیکه من بمرحوم، کار شما را حتر شده و به سادگی ارایه پرونده موقوف میشود، باید عرض کنم، پاتر دهن بار اقدام به اعتصاب غذا اینجانب برای جلب توجه و ترحم جنبه ای و... نبوده بلکه منظور استیادگی در مقابل ظلم و ستم و افشای آن بر حسب وظیفه انسانی و شرعی خود و تبعیت از مکتب ظلم ستیز امام حسن (ع) بوده است (بر طبق آیه شریفه قرآن: لَا تَطْلُبُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ - بقره ۲۷۹) و بقول امام راحل: انجام تکلیف مهم است و نه نتیجه آن. اگر قرار بود بنده از اعتصاب غذا نتیجه بگیرم، به بار پاتر دهن کشیده نمیشد و دیگری نیازی به بار پاتر دهن هم پیدا نمیشد. لذا، امیدوار است که قاضی محترم با صدور حکم آزادی اینجانب به همه این ناملاایات خاتمه بخشد.

۱۳

(صفحه شش از هفت)

۸- اینجانب در سال ۹۱ با همکاری بعضی آمده یا کارشناس (آقای رحیمی) جهت تهیه کاتدو نوشت اقرار توسط خانواده ام بمقتضای نوشتن جوابیه به کتاب «افسون حلقه» که حرکتی بود که بعنوان اسناد مدارک کارشناسی تحقیق شده بر علیه من تألیف و چاپ و به دارگاه ارائه شده بود، بدون آنکه اجازه مطالعه و پاسخگویی و دفاع در مقابل آن به من داده شده باشد. همچنین در مقابل سایر کتب، مقالات و سایر اسامی پس از اقدام به اعصاب و عداوت و اعتراض به چنین روندی، اجازه پاسخگویی به این کتاب به من داده شد. اما پس از نوشتن جوابیه و تحویل آن به کارشناس (آقای رحیمی) در سال ۹۱ جهت ارائه به وکیل و دارگاه، ایشان آنرا توقیف و از تحویل به وکیل و یا دارگاه خودداری نمودند. سال بعد هم دستور جمع آوری و توقیف بقیه دفاعیاتم را در پاسخ به کتیرخواست شامل چندین دفتر و حدود ۲۵ برگه A4 صادر و توسط مراقب آنها را نیز توقیف نمود، بدون آنکه آنها را هم به وکیل یا خانواده ام و یا به دارگاه تحویل دهد (پاکب اطلاع از ضابطه‌ای در سال ۹۳ و همچنین خود نامبرده). متعاقباً طی شکایتی که توسط همسر، از طریق یک وکیل، به دارگاه داده شد، ایشان با ارائه دفاعیات کذبیه منی بر اینکه جوابیه کتاب افسون حلقه را در سال ۹۳ به هنگام خروج همسر از زندان بعد از ملاقات با بنده، سرداشان پیدا کرده اند. در حلقه در بازداشتگاه با افراد زندانی ملاقات گشته، قبل و بعد از ملاقات با زری بدنی کامل شده و ملاقات گشتن مجاز به حمل کیف و... نبوده و مدت تدبیر امنیتی و زیر کنترل نگه داشتن ها متعدد ملاقات انجام می‌شود و چنین ادعایی دروغ محض و محال ممکن بوده. و لازم است این ادعای کذب مورد بررسی قرار گرفته و تکلیف بقیه دفاعیات اینجانب نیز مشخص شود (هر چند که نوشتار در این بعد از برگ سهراب من باشد). در ضمن جوابیه کتاب افسون حلقه حدود ۲۰۰ صفحه A4 می‌باشد. همچنین با توجه به عدم تحویل دفاعیه اینجانب توسط ایشان به دارگاه طی سالهای قبل، محل ایشان ایجاد محدودیت و ممنوعیت در دفاع و تأثیر گذاری در دارگاه جهت گرفتن حکم غیر قانونی و ناهوای اعدام بوده که اقدام مغرضانه و مجرمانه تلقی و ضمن درخواست کنار گذاشتن ایشان از پرونده اینجانب، تقاضای رسیدگی عاجل به این محل مجرمانه را می‌نماید گذشته از سایر جرایم ارتكابی). در ضمن نوشته‌جات فوق به وکلایم جهت حفظ و نگهداری اسناد مدارک مربوط به من، تحویل داده شود.

۹- جناب قاضی محترم، در واکش به ارائه گزارشات اینجانب نسبت به روندهای غیر قانونی، نقض آئین نامه دادرسی و... در جریان تشکیل و تکمیل پرونده ام، چندین بار از جمله در تاریخ ۹۵/۹/۹، تأکید نمودید که انگونه گزارش ها به شما ارتباطی ندارد و فقط بر اساس پرونده پیش روی خود، حکم صادر می‌کنید. در حالیکه حکم قاضی فقط زمانی ارزش و وجاهت قانونی دارد که محتویات پرونده شامل: آثار و اعترافات، مصاحبه ها، گزارش ها، شهادت ها و... در نهایت بطرف و محار لانه و به در از نقض قانون و آئین نامه دادرسی و سایر روش های غیر متعارف، تحقیق و بررسی و گردآوری شده باشند پس اولین موضوع مهم در قضاوت بر روی یک پرونده، کتب اطمینان از صحت روند دادرسی و... می‌باشد. بنابراین، بار دیگر در خانه یاد آور می‌شود از شروع دستگیری و آغاز پرونده اینجانب (به اتهام کذب محضیت در سازمان چریک های فدائی در تاریخ ۲۹/۱/۸۹) و تا اتمام آن تاکنون، همواره روندی غیر قانونی و مغرضانه در جریان بوده است و اینجانب بیگناه بوده و هیچ عمل مجرمانه ای مرتکب نشده ام. لذا خواهشمند است با آزادی اینجانب موافقت فرموده تا با حضورم شدن پرونده، همه این بیچیدگی ها به سهولت و سادگی ختم به خیر شده و با بازگشت اینجانب به کانون خانواده، جلوی صدمات و لطامات بیشتر که همواره متوجه آن بوده نیز گرفته شود و ذهن بنده نیز آرام گرفته و با سرگرم شدن به زندگی خود، همه این وقایع را بدست فراموش سپرده و همه غم ها و شکایات را فراموش کنم.

کَفَى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ

با تقدیم احترام

محمد علی طاهری



۹۵، ۹، ۱۳

(صفحه هفت از هفت)